



مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰
همایون مافی، سودابه اسدیان
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی قر
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف
محمود حبیبی تیار، ترگس زندی علی آبادی
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶
اکبر عظیمی
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی
مونا دوانلو
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم
علی نجفی، سیدمحسن موسوی قر
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
امل سلیمانی، مریم اسکندری
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل
سیدمحمدپیرام بطحایی
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحیملی طهرانی
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی فرد
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه
سیمما سوداگر
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها
علی موید احمدی، امیررضا محمودی
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها
مهدی قره داغی
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها
مصطفی رضایی
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح
وحید پارسایی دادرس
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی
سپیده احمدیان فرد
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی
میثم حسینی زاده
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati

PhD student in Political Science, Department of Political Science, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran (Corresponding Author)

نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان؛ بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی

ابوالحسن جنتی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

jannati.abolhasan@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0001-9872-6963>

Zainab Hashemi Baghi

Assistant Professor, Department of Sociology, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

زینب هاشمی باغی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
z_hashemibaghi@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0001-6202-5359>

Abstract

Gender inequality in women's employment in province is one of the fundamental challenges in the path of sustainable development of the region, which stems from economic, social and political factors. From an economic perspective, the lack of supportive policies, limited job opportunities and the focus of development plans on men-oriented jobs have significantly reduced the share of women in the labour market. From a social perspective, traditional beliefs and tribal culture have limited the role of women in family spheres and have confronted their employment with numerous obstacles, including negative social attitudes, lack of family support and lack of social infrastructure. In the political dimension, weakness in the implementation of national laws, lack of localized policies and lack of job quotas for women have increased the severity of inequality. This research, emphasizing documentary analysis and lived experiences in the province, shows that the complex interaction between these factors has not only prevented women's active presence in the economic arena but also led to the consolidation of inequalities in executive and social structures. To reduce these inequalities, it is necessary to adopt a multidimensional approach that includes reviewing economic policies, changing cultural attitudes, and effectively implementing gender equality laws. Achieving gender equity in employment requires collaboration between the government, local institutions, and society to create equal opportunities, empower women, and change the province's socio-economic structures.

Keywords: Gender Inequality, Women's Employment, Social Factors, Political Factors, Sistan and Baluchestan.

چکیده

نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان، یکی از چالش‌های اساسی در مسیر توسعه پایدار منطقه است که از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشأت می‌گیرد. از منظر اقتصادی، نبود سیاست‌های حمایتی، فرصت‌های شغلی محدود و تمرکز طرح‌های توسعه‌ای بر مشاغل مردمحور، سهم زنان را در بازار کار به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده است. دیدگاه اجتماعی، باورهای سنتی و فرهنگ قبیله‌ای نقش زنان را به حوزه‌های خانوادگی محدود کرده و اشتغال آن‌ها را با موانع متعددی از جمله نگرش‌های منفی اجتماعی، فقدان حمایت‌های خانوادگی و کمبود زیرساخت‌های اجتماعی مواجه کرده است. در بعد سیاسی، ضعف در اجرای قوانین ملی، کمبود سیاست‌های بومی‌سازی شده و فقدان سهمیه‌های شغلی برای زنان، بر شدت نابرابری افزوده است. هدف از این پژوهش که به‌صورت اسنادی و تحلیل ثانویه صورت گرفته است، توصیف و تحلیل عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل پیچیده میان این عوامل، نه تنها مانع حضور فعال زنان در عرصه اقتصادی شده، بلکه به تثبیت نابرابری‌ها در ساختارهای اجرایی و اجتماعی انجامیده است. برای کاهش این نابرابری‌ها، اتخاذ رویکردی چندبعدی شامل بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجرای مؤثر قوانین برابری جنسیتی ضروری است. دستیابی به عدالت جنسیتی در اشتغال، مستلزم همکاری میان دولت، نهادهای محلی و جامعه برای ایجاد فرصت‌های برابر، توانمندسازی زنان و تغییر ساختارهای اجتماعی-اقتصادی استان است.

واژگان کلیدی: نابرابری جنسیتی، اشتغال زنان، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، سیستان و بلوچستان.

Received: 2025/03/23 - Review: 2025/05/19 - Accepted: 2025/06/06

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ - بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

ارجاع:

جنتی، ابوالحسن؛ هاشمی باغی، زینب؛ (۱۴۰۴)، نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان؛ بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی، تمدن حقوقی، شماره ۲۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

نابرابری جنسیتی یک ویژگی غالب در کشورهای در حال توسعه است. نابرابری به اشکال مختلف، به صورت نابرابری درآمدی، نابرابری در دستیابی به فرصت‌ها، نابرابری آموزشی، نابرابری در دسترسی به اشتغال رسمی، موقعیت‌های مدیریتی و سیاسی و بالاخره نابرابری در قدرت چانه زنی در درون خانواده ظاهر می‌شود. علاوه بر این که این نوع نابرابری‌ها از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است، می‌توان استدلال کرد نابرابری به صورت استفاده ناکارا از ظرفیت بالقوه زنان در بازار بهره‌وری را کاهش می‌دهد. نابرابری جنسیتی گواهی بر شکست بازار است و در نتیجه بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. نابرابری جنسیتی در آموزش، با کاهش سرمایه انسانی کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه‌های نابرابری جنسیتی بسیار بالا است، زیرا نه تنها رفاه زنان را کاهش می‌دهد بلکه بر رفاه مردان و فرزندان اثرگذار است و در نتیجه رفاه خانواده را کاهش می‌دهد. همچنین، تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع منجر به تخصیص ناکارای منابع و زیان‌های رفاهی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود.

در ایران، توسعه اقتصادی از طریق تغییر در نهادهای جامعه باعث کاهش نابرابری جنسیتی شده است. کاهش نرخ باروری متناظر با افزایش قدرت زن در درون خانواده بوده که آن‌ها را قادر به تعیین تعداد دلخواه فرزندان کرده است. در ایران با وجود محافظت شدید نظام خانواده توسط نهادهای حمایتی مانند مذهب و

فرهنگ به علت بی‌ثباتی‌های اقتصادی از یک سو و دسترسی ارزان و پیشرفته به تکنولوژی پیشگیری از سوی دیگر در دوره گذار جمعیتی، تغییر در نابرابری جنسیتی در درون خانواده سریعتر از غرب بوده است. از این رو، فرایند کاهش سطوح باروری نسبت به غرب تسریع شده است. کاهش باروری موجب کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش و افزایش تمایل به مشارکت در بازار کار شده است. ولی با وجود این تمایل به علت نا به سامانی‌های اقتصادی، بیکاری زنان در سطح بالایی قرار دارد و همین امر باعث شده زنان و مردان در انتظار یافتن شغل، سن ازدواج را به تعویق اندازند و در نتیجه باروری و تعداد دلخواه فرزندان را کاهش دهند. این می‌تواند بخشی از روند پرشتاب کاهش باروری در ایران را^۱ تبیین کند.

اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات اساسی اقتصادی هر کشور به شمار می‌روند. آمار بالای اشتغال و نرخ پایین بیکاری از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع محسوب می‌شوند. در جوامع توسعه یافته، مشارکت زنان در بازار کار به عنوان امری معمول و متداول، یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی تلقی می‌شود. دولت‌ها با ایجاد زیرساخت‌ها و سیاست‌های حمایتی، زنان و مردان را به‌طور عادلانه در فرایند مشارکت اقتصادی جامعه سهم کرده‌اند. همچنین، نقش اشتغال زنان در افزایش تولید ناخالص داخلی کشورها و کاهش فقر و نابرابری اجتماعی برجسته است. در ایران، با وجود برنامه‌های متعدد توسعه‌ای، نرخ مشارکت اقتصادی زنان همچنان پایین است. طبق گزارش‌های اخیر، نرخ مشارکت زنان در بازار کار تنها چهارده درصد است که این رقم در مقایسه با کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه نیز پایین‌تر است (Hoominfar & Zanganeh, 2021, 263). این وضعیت در برخی استان‌های محروم مانند سیستان و بلوچستان شدیدتر است، جایی که عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مانع از مشارکت برابر زنان در بازار کار می‌شود (Sedighi, & Kurane, 2018, 1).

نابرابری جنسیتی یکی از چالش‌های اساسی در بسیاری از جوامع، به‌ویژه جوامع در حال توسعه، است. این پدیده به‌طور خاص در حوزه اشتغال زنان مشهود است، جایی که زنان با محدودیت‌های ساختاری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روبرو هستند. در ایران، استان سیستان و بلوچستان به دلیل ویژگی‌های خاص اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نمونه‌ای برجسته از مناطقی است که نابرابری جنسیتی در آن به شکل

۱- با وجود افزایش تعداد زنان در سن باروری به علت تغییر در هرم سنی جمعیت

چشم‌گیری مشاهده می‌شود (Cheratian, 2022, 218). زنان این منطقه نه تنها با چالش‌های کلی مانند فقر، کمبود فرصت‌های شغلی و پایین بودن سطح سواد مواجه هستند، بلکه عوامل فرهنگی و سنت‌های محلی نیز نقش بسزایی در محدود کردن دسترسی آنان به بازار کار ایفاء می‌کنند (Khojasteh, 2015, 37). علاوه بر این، نبود سیاست‌های حمایتی کافی و موانع قانونی یا اجرایی، موجب تشدید این نابرابری شده است. در چنین شرایطی، زنان به حاشیه رانده شده و از مشارکت فعال در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان باز می‌مانند (Movahedi, & Yaghoubi-Farani, 2012, 469).

این وضعیت علاوه بر آن که بر کیفیت زندگی زنان تأثیر منفی می‌گذارد، توسعه پایدار استان را نیز با چالش‌هایی جدی روبرو می‌کند. با توجه به اهمیت اشتغال زنان در رشد اقتصادی، کاهش فقر و بهبود وضعیت اجتماعی خانواده‌ها، شناسایی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان سیستان و بلوچستان، به عنوان یک ضرورت پژوهشی مطرح است (Rai, 2007, 64). حق اشتغال یکی از حقوق اساسی انسان‌ها در جوامع مدرن است. بر اساس اصول عدالت اجتماعی، فرصت‌های شغلی باید متناسب با توانایی‌ها و استعدادهای افراد و بدون تبعیض جنسیتی فراهم شود. در عین حال، محدودیت‌های موجود در دسترسی زنان به مشاغل مناسب و نبود فرصت‌های ارتقای شغلی، نه تنها بی‌عدالتی اجتماعی را تشدید می‌کند، بلکه به طور مستقیم بر شاخص‌هایی نظیر فقر، سلامت و توسعه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. این پژوهش بر آن است تا ضمن تحلیل ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی در این منطقه، به بررسی نقش عوامل اجتماعی و عوامل سیاسی در محدودیت‌های اشتغال زنان بپردازد. آیا می‌توان با تغییر این عوامل، فرصت‌های برابر اشتغال را برای زنان این استان فراهم کرد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راهکاری مؤثر برای کاهش نابرابری و بهبود وضعیت زنان ارائه دهد.

۱- پیشینه تحقیق

مشارکت زنان در توسعه در کشورهای جهان: مشارکت زنان در فرایندهای توسعه به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار در بسیاری از کشورها مطرح شده است. توانمندسازی زنان و مشارکت فعال آن‌ها در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نه تنها موجب بهبود وضعیت زنان می‌شود، بلکه به

افزایش کارایی و اثربخشی برنامه‌های توسعه‌ای نیز کمک می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که سرمایه‌گذاری در مشارکت زنان، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی، کاهش فقر و بهبود شاخص‌های اجتماعی داشته باشد (Raman, et al, 2022, 14).

تجربه بنگلادش در توانمندسازی اقتصادی زنان: بنگلادش یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها در بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان برای توسعه اقتصادی است. سازمان‌هایی مانند گرامین بانک با ارائه وام‌های خرد به زنان، به آن‌ها فرصت داده‌اند تا کسب و کارهای کوچک راه‌اندازی کنند. این برنامه نه تنها به کاهش فقر در مناطق روستایی بنگلادش کمک کرده، بلکه مشارکت اقتصادی زنان را نیز به‌طور چشمگیری افزایش داده است. حضور زنان در مشاغل تولیدی مانند صنایع پوشاک نیز نقشی کلیدی در رشد اقتصادی بنگلادش ایفا کرده است (Hoominfar & Zanganeh, 2021, 263).

تجربه رواندا در مشارکت سیاسی زنان: رواندا نمونه دیگری از کشورهایی است که توانسته‌اند مشارکت زنان در توسعه را ارتقاء دهند. پس از نسل‌کشی ۱۹۹۴ میلادی، دولت رواندا راهبردهای گسترده‌ای برای مشارکت زنان در سیاست و مدیریت اجرایی اتخاذ کرد. در حال حاضر، رواندا دارای یکی از بالاترین نسبت‌های مشارکت زنان در پارلمان جهان است.^۲ این مشارکت نه تنها نقش زنان را در تصمیم‌گیری‌ها افزایش داده، بلکه به بهبود شاخص‌های اجتماعی مانند آموزش و بهداشت نیز کمک کرده است (Sharlach, 1999, 387).

تجربه نروژ در برابری جنسیتی و توسعه پایدار: نروژ یکی از کشورهای پیشرو در زمینه برابری جنسیتی است. دولت نروژ با اجرای سیاست‌های پیشرفته مانند اختصاص سهمیه چهل درصدی برای زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و ترویج فرهنگ برابری، نقش زنان را در اقتصاد و سیاست تقویت کرده است. این سیاست‌ها به بهبود شاخص‌های توسعه انسانی و افزایش نوآوری و رشد اقتصادی کمک شایانی کرده است (Skjelsbæk & Tryggestad, 2020, 181).

موسوی و همکاران در پژوهش خود در سال ۱۳۸۹ به بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی زراعی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، زنان روستایی از بعد ویژگی‌های

۲- بیش از شصت درصد نمایندگان پارلمان

اجتماعی (مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی) در سطح متوسطی قرار دارند. نتایج پژوهش مشخص نمود که پنج عامل تقریباً پنجاه و یک درصد از موانع و مشکلات زنان روستایی را توضیح می‌دهند که این عوامل به ترتیب شامل: ساختار اجتماعی، ساختار فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع آموزشی و ساختار اراضی زراعی می‌باشند. علیدوست و لشگرآرا در بررسی خود با عنوان «راه‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی» در سال ۱۳۹۲ به این نتیجه رسیده‌اند که از میان متغیرهای مورد مطالعه دو متغیر اقتصادی و آموزشی در مجموع بیشترین تأثیرگذاری را به‌عنوان موانع اصلی در مشارکت زنان دارند. این تجربیات نشان می‌دهند که مشارکت زنان در توسعه نه تنها به سیاست‌های حمایتی، بلکه به تغییرات فرهنگی، آموزشی و اقتصادی بستگی دارد. توانمندسازی زنان در کشورهای موفق به ارتقای سطح زندگی خانواده‌ها و جوامع منجر شده است و می‌تواند الگویی برای دیگر کشورها باشد.

۲- روش‌شناسی پژوهش

۲-۱- روش پژوهش

در این پژوهش که به بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان سیستان و بلوچستان می‌پردازد، روش اسنادی به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها انتخاب شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تحلیل منابع معتبر، اطلاعات دقیق و قابل استناد را برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش به‌دست آورد.

۲-۲- ابزار جمع‌آوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌ها از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. تحلیل اسنادی: بررسی منابع مکتوب مانند گزارش‌های رسمی، مقاله‌های علمی، آمارهای دولتی و اسناد مرتبط با وضعیت اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان.

۲-۳- یافته‌ها و تحلیل

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان تحت تأثیر سه دسته عامل اصلی، یعنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. از بعد اقتصادی، مشکلاتی همچون

نرخ بالای فقر، عدم دسترسی به منابع مالی و فرصت‌های محدود شغلی برای زنان به‌ویژه در مناطق روستایی مشهود است. این شرایط موجب شده است که بسیاری از زنان تنها به مشاغل غیررسمی یا کم‌درآمد دسترسی داشته باشند. از منظر اجتماعی، باورهای فرهنگی و سنت‌های منطقه‌ای که اغلب نقش زنان را محدود به کارهای خانگی می‌دانند، یکی از موانع عمده حضور زنان در بازار کار است. همچنین، پایین بودن سطح سواد و مهارت‌های حرفه‌ای در میان زنان استان، مانع دیگری برای دستیابی آنان به فرصت‌های شغلی مناسب به شمار می‌رود. در بعد سیاسی، ضعف در سیاست‌گذاری‌های حمایتی و اجرای ناکارآمد قوانین مربوط به اشتغال زنان، همراه با نبود برنامه‌های دولتی مؤثر برای توانمندسازی زنان، به تشدید این نابرابری انجامیده است.

بررسی این عوامل نشان می‌دهد که تعامل میان این سه بعد به شکلی پیچیده، وضعیت اشتغال زنان را تحت تأثیر قرار داده و راهکارهایی همه‌جانبه برای کاهش این نابرابری ضروری است.

۳- مفاهیم اصلی

۳-۱- بررسی مسائل اقتصادی

مشارکت زنان به‌عنوان نیمی از پیکر جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله علل رویکرد زنان به اشتغال اصول اساسی و اجتناب‌ناپذیر اهداف توسعه در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تمامی جوامع بشری به شمار می‌رود و این امر در کشوری چون ایران که از کشورهای در حال توسعه است از اهمیت بیشتری برخوردار است. لذا بررسی و شناخت انگیزه زنان برای اشتغال می‌تواند به آسیب شناسی جامعه و خانواده کمک کند. انگیزه‌های زنان برای اشتغال عبارتند از:

اول- رهایی از محیط یکنواخت خانه: برخی از زنان که بیرون از خانه به حرفه‌هایی مشغول هستند می‌گویند خوشبخت‌تر هستند و چون درآمد کسب می‌کنند، می‌توانند هزینه عدم حضور خود را در خانه تأمین کنند. از این رو، بعضی از زنان با پناه بردن به اشتغال و محیط بیرون از منزل می‌خواهند زندگی خود را متحول کرده و از یکنواختی زندگی و خانه داری نجات پیدا کنند.

دوم- بهبود وضع اقتصاد خانواده: پاسخ به نیازهای روزافزون خانواده، نه تنها مردان را به سوی اشتغال

در جایگاه‌های مختلف شغلی سوق می‌دهد، بلکه زنان را نیز برای فراهم آوردن امکانات رفاهی بیشتر خانواده به سوی اشتغال ترغیب می‌کند.

سوم- کسب استقلال اقتصادی: به عقیده برخی از کارشناسان اجتماعی، وابستگی اقتصادی زن به مرد یک عامل بازدارنده و تضعیف‌کننده موفقیت زن در خانواده و اجتماع می‌باشد. لذا زن در سایه اشتغال می‌خواهد خود را از بند وابستگی برهاند. تحلیلگران معتقدند زنان شاغل با کسب درآمد و استقلال اقتصادی می‌توانند راحت‌تر به سایر آزادی‌ها دست یابند.

چهارم- کسب هویت و موقعیت اجتماعی: برخی از زنان بر این تفکر هستند که اشتغال و تحصیل باعث رشد و ارتقای منزلت اجتماعی آنان می‌شود و فرصتی برای حضور فعال و رقابتی در تعامل با مردان پیدا خواهند کرد.

پنجم- تأمین کسری هزینه‌های خانواده: هرچند در قانون کشور، مرد مسئول تأمین هزینه‌های همسر و فرزندان می‌باشد اما در بعضی از خانواده‌ها، مرد به دلایل مختلف مثل از کارافتادگی، بیماری، اعتیاد و فوت یا قادر به کار نیست و یا درآمد او کفاف هزینه‌های خانواده را نمی‌دهد، لذا زن مجبور به کار کردن در بیرون خانه برای تأمین مخارج خود و خانواده می‌شود.

از دیگر علل رویکرد زنان به اشتغال می‌توان به این موارد اشاره کرد: پر کردن اوقات فراغت و زمان بیکاری؛ عدم ارزش‌گذاری به کار خانگی از سوی جامعه و تصور اتلاف وقت؛ به دست آوردن پشتوانه‌ای برای دوران کهنسالی؛ اشباع خواسته‌های کاذب.

۳-۲- جمعیت فعال اقتصادی زنان در استان سیستان و بلوچستان

تقریباً زنان، نیمی از جمعیت ایران و استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهند. در این مورد که زنان در جامعه و همچنین زندگی اقتصادی مهم‌ترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. با وجود این، نقش زنان نه تنها به وسیله نظام اقتصادی بلکه به وسیله عوامل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند، درحالی‌که میزان فعالیت زنان در کشورهای در حال توسعه کمتر است. نقش زنان در

بازارکار ایران از جنبه‌های مختلف به ویژه توسعه منابع انسانی، ارزش‌های اجتماعی، شرایط خانوادگی و سیاست‌های اشتغال نیاز به بررسی دارد.

از میزان مشارکت اقتصادی افراد در جامعه غالباً به میزان کل^۳ فعالیت اقتصادی تعبیر می‌شود. این میزان عبارت است از نسبت کل جمعیت فعال اقتصادی به کل جمعیت^۴ حداقل محدوده سنی برای جمعیت فعال اقتصادی سن پانزده سال و بالاتر زیرا به کارگیری افراد زیر پانزده سال منع قانونی دارد. اما در ایران افراد زیر پانزده سال جزء بازارکار به حساب می‌آیند. بنابراین، برای به حساب آوردن کل نیروی کار بهتر همه افراد از هر دو جنس که ذخیره نیروی کار را تشکیل می‌دهند، به عنوان مبنای نظر گرفته شوند (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۴).

۳-۳- نقش سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اجرایی در تشدید یا کاهش نابرابری‌ها

سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اجرایی نقشی تعیین‌کننده در تشدید یا کاهش نابرابری‌های جنسیتی در استان سیستان و بلوچستان دارند. یکی از عوامل اصلی در تشدید این نابرابری‌ها، عدم تدوین و اجرای سیاست‌های هدفمند برای حمایت از اشتغال زنان است. برنامه‌های توسعه اقتصادی و طرح‌های اشتغال‌زایی معمولاً بدون توجه به نیازهای خاص زنان طراحی می‌شوند و سهم ناچیزی از منابع و فرصت‌ها به آن‌ها اختصاص می‌یابد. به عنوان مثال، بسیاری از طرح‌های عمرانی و اقتصادی استان به حوزه‌هایی مانند صنعت یا کشاورزی متمرکز شده‌اند که به دلیل شرایط کاری سخت و نگاه سنتی، مشارکت زنان در آن‌ها بسیار محدود است. از سوی دیگر، نبود سیاست‌های حمایتی خاص مانند برنامه‌های کارآفرینی برای زنان، تسهیلات مالی برای مشاغل خرد و خانگی، یا حمایت از زنان سرپرست خانوار، فرصت‌های شغلی زنان را به طور چشمگیری کاهش داده است. در بسیاری از موارد، عدم دسترسی به منابع مالی و وام‌های بانکی، زنان را از راه‌اندازی کسب‌وکار یا ورود به بازارکار بازداشته است. این در حالی است که سیاست‌های حمایتی می‌توانند نقش مؤثری در توانمندسازی اقتصادی زنان و کاهش شکاف جنسیتی داشته باشند.

در مقابل، سیاست‌گذاری‌های مناسب می‌توانند به کاهش نابرابری‌های جنسیتی کمک کنند. به عنوان

۳- خام

۴- همه سنی

مثال، ایجاد سهمیه‌های شغلی برای زنان در دستگاه‌های اجرایی، توسعه آموزش‌های مهارتی مختص زنان و ارتقاء زیرساخت‌های اجتماعی مانند مهدکودک‌ها و خدمات حمایتی می‌تواند زنان را در مسیر دستیابی به فرصت‌های برابر قرار دهند. همچنین، بازنگری در قوانین و مقررات استخدامی و اطمینان از اجرای دقیق آن‌ها، می‌تواند تضمین‌کننده مشارکت عادلانه زنان در بازار کار باشند.

بنابراین، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اجرایی در استان سیستان و بلوچستان هم می‌تواند عاملی برای تشدید نابرابری‌های جنسیتی باشند و هم می‌تواند با مداخلات هدفمند، به‌عنوان ابزاری برای کاهش این شکاف‌ها و تقویت مشارکت زنان عمل کنند.

۳-۴- تحلیل شاخص‌های نیروی کار در نقاط شهری و روستایی

بر اساس داده‌های ارائه‌شده در جدول شماره یک (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، شاخص‌های عمده نیروی کار، تفاوت چشمگیری میان نرخ اشتغال مردان و زنان نسبت به کل کشور مشاهده می‌شود. در سطح ملی، نسبت اشتغال مردان ۶۳٫۳ درصد و زنان تنها ۱۱٫۱ درصد است که این اختلاف گسترده نشان‌دهنده نابرابری شدید در مشارکت اقتصادی میان دو جنس است. این شکاف در نقاط شهری و روستایی نیز به‌وضوح دیده می‌شود. در نقاط شهری، نسبت اشتغال مردان ۶۱٫۶ درصد و زنان ۱۰٫۵ درصد است، درحالی‌که در نقاط روستایی این ارقام برای مردان به ۶۸٫۸ درصد و برای زنان به ۱۲٫۹ درصد می‌رسد.

جدول شماره ۱. شاخص‌های عمده نیروی کار در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر برحسب نقاط شهری و

روستایی و جنس

نوع منطقه	کل کشور			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
نسبت اشتغال	39.3	59.1	11.1	36.1	61.6	10.5	40.7	68.8	12.9
نسبت بیکاری	9.0	0.1	17.7	10.7	9.7	20.0	1.5	6.2	8.1
نسبت بیکاری 15-24 ساله	25.7	23.2	37.4	29.2	25.3	41.6	17.2	16.2	23.2
نسبت بیکاری 25-35 ساله	17.6	14.5	31.2	19.2	15.6	34.4	13.4	11.3	17.2

این آمار بیانگر این واقعیت است که در هر دو بخش شهری و روستایی، زنان نسبت به مردان به‌طور چشمگیری از بازار کار عقب مانده‌اند. در مناطق روستایی با وجود نقش زنان در فعالیت‌های کشاورزی و

تولیدی، این سهم همچنان بسیار کمتر از مردان است. همچنین در نقاط شهری، اشتغال زنان بیشتر به مشاغل محدود و غیررسمی متمرکز شده است که این امر به کاهش کلی سهم آنان در بازار کار منجر شده است. این تفاوت‌ها نه تنها نشان‌دهنده تأثیر مستقیم نابرابری جنسیتی بر اشتغال است، بلکه بازتاب‌دهنده موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ای است که مشارکت زنان را در نیروی کار محدود کرده است. این آمار ضرورت برنامه‌ریزی برای کاهش این شکاف جنسیتی، تقویت مهارت‌آموزی و ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی و شهری، را برجسته می‌کند.

۳-۵- نابرابری وضعیت استخدامی کارکنان دولت بر اساس سالنامه آماری استان سیستان و

بلوچستان سال ۱۴۰۰

نابرابری در اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان، به‌ویژه در حوزه‌های دولتی و اجرایی، ریشه در عوامل اقتصادی متعددی دارد که به ضعف ساختاری و تاریخی در این منطقه بازمی‌گردد. بر اساس جدول شماره دو و جدول شماره سه در سال ۱۴۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰، ۱۹)، تعداد زنان استخدام‌شده در دستگاه‌های اجرایی به‌طور قابل‌توجهی کمتر از مردان است. یکی از دلایل اصلی این موضوع، محدودیت فرصت‌های شغلی رسمی برای زنان است. این محدودیت ناشی از ترکیب فقر اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های اشتغال‌زایی برای زنان است. در چنین شرایطی، زنان عمدتاً به مشاغل غیررسمی با درآمد کم و امنیت شغلی پایین روی می‌آورند که خود به حفظ چرخه فقر و نابرابری دامن می‌زند.

ازسوی دیگر، عدم دسترسی زنان به منابع مالی و آموزشی لازم نیز یکی از دلایل این نابرابری است. بسیاری از زنان در این استان به دلیل شرایط اقتصادی خانواده‌ها، امکان ادامه تحصیل یا کسب مهارت‌های حرفه‌ای را ندارند. این وضعیت باعث می‌شود که در فرایند استخدام، زنان توان رقابت با مردان را نداشته باشند. علاوه بر این، فقدان برنامه‌های کارآفرینی یا حمایت‌های مالی ویژه برای زنان، توانایی آن‌ها را برای ایجاد یا گسترش کسب‌وکارهای خودمختار محدود کرده است. این مشکلات اقتصادی، در کنار تبعیض‌های موجود در استخدام رسمی، به کاهش چشمگیر حضور زنان در بازار کار رسمی، به‌ویژه در دستگاه‌های اجرایی، منجر شده است.

جدول شماره ۳. کارکنان دولت بر حسب وضعیت استخدامی: ۱۴۰۰

دستگاه اجرایی		جمع		رسمی		غیررسمی ^(۱)	
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
اداره کل انتقال خون استان.....	۹۱	۶۵	۲۱	۳۹	۷۰	۲۶	
اداره کل امور عشایر استان.....	۸۸	۱۲	۳۱	۶	۵۷	۶	
اداره کل دامپزشکی استان.....	۱۸۷	۳۶	۹۵	۱۴	۹۲	۲۲	
اداره کل جهاد کشاورزی استان.....	۷۹۰	۲۱۴	۴۳۹	۱۷۷	۳۵۱	۳۷	
اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان.....	۲۰۶	۴۴	۶۷	۲۰	۱۳۹	۲۴	
اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی.....	۱۴۲	۴۲	۶۸	۲۱	۷۴	۲۲	
اداره کل ورزش و جوانان استان.....	۲۷۳	۷۷	۶۰	۱۴	۲۱۳	۶۳	
اداره کل زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان.....	۴۶۶	۷۰	۳۰۱	۴۴	۱۶۵	۲۶	
اداره کل بهزیستی استان.....	۲۷۸	۲۵۰	۶۳	۵۵	۲۱۵	۱۹۵	
استانداری سیستان و بلوچستان.....	۱۰۱۰	۱۴۳	۲۹۶	۸۷	۷۱۴	۵۶	
اداره کل استاندارد استان.....	۴۸	۱۸	۲۸	۱۲	۲۰	۶	
اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان.....	۴۹	۲۸	۳۹	۲۰	۱۰	۸	
اداره کل هواشناسی استان.....	۶۷	۹	۳۸	۵	۲۹	۴	
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.....	۱۰۴	۵۴	۴۰	۲۵	۶۴	۲۹	
اداره کل راه و شهرسازی استان.....	۱۸۰	۶۷	۶۳	۲۸	۱۱۷	۳۹	
اداره کل اوقاف و امور خیریه استان.....	۲۳	۷	۶	۳	۱۷	۴	
اداره کل پزشکی قانونی استان.....	۴۵	۲۲	۶	۱۰	۳۹	۱۲	

جدول شماره ۳. کارکنان دولت بر حسب وضعیت استخدامی: ۱۴۰۰ (ادامه)

دستگاه اجرایی		جمع		رسمی		غیررسمی ^(۱)	
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
اداره کل نوسازی مدارس استان.....	۱۱۸	۱۶	۴۶	۹	۷۲	۷	
اداره کل شیلات استان (آبهای داخلی).....	۷۸	۱۷	۳۷	۱۲	۴۱	۵	
اداره کل تبلیغات اسلامی.....	۵۷	۴	۲۲	۲	۳۵	۲	
اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان.....	۱۹۴	۸۳	۴۴	۱۱	۱۵۰	۷۲	
اداره کل آبخیزداری و منابع طبیعی استان.....	۳۵۳	۶۸	۱۱۷	۳۱	۲۳۶	۳۷	
اداره کل راه و شهرسازی جنوب استان.....	۱۱۲	۱۸	۳۰	۸	۸۳	۱۰	
اداره کل بازرسی استان.....	۲۶	۳	۱۳	۲	۱۳	۱	
اداره کل شیلات استان (آبهای دور).....	۱۹۹	۲۳	۹۱	۱۷	۱۰۸	۶	
حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان.....	۳	۳	۲	۲	۱	۱	
شرکت گاز استان.....	۱۹۶	۵۳	۲۷	۸	۱۶۹	۴۵	
شرکت برق منطقه ای استان.....	۷۱۹	۵۳	۱۴۸	۲۱	۵۷۱	۳۲	
شرکت تولید برق منطقه ای استان.....	۱۲	۲	۴	-	۸	۲	
شرکت آب منطقه ای استان.....	۲۹۶	۶۴	۸۰	۲۰	۲۱۶	۴۴	
پارک علم و فناوری استان.....	۱۰	۶	۱	-	۹	۶	
دانشگاه ولایت.....	۳۵۹	۷۳	۷۷	۲۱	۱۸۲	۵۲	
سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.....	۶۴	۳۲	۱۹	۱۳	۴۵	۱۹	
شرکت سهامی عمران شهر جدید رامشار.....	۹۴	۱۲	۵	۱	۸۹	۱۱	

۱- کارکنان غیررسمی شامل کارکنان پیمانی، قراردادی، شرکتی و ... می باشد.
 مأخذ- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان.

۴- بررسی مسائل اجتماعی در نابرابری جنسیتی اشتغال

نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان به شدت تحت تأثیر مسائل اجتماعی و فرهنگی است که نقش زنان را در بازار کار محدود می کند. یکی از عوامل مهم در این زمینه، نگرش های سنتی و فرهنگی جامعه نسبت به نقش زنان است. در بسیاری از مناطق این استان، باورهای سنتی بر این استوارند که زنان باید نقش های خانگی را بر عهده داشته باشند و مشارکت آنها در امور اقتصادی

کم‌رنگ باشد. این نگرش‌ها نه تنها انتخاب شغلی زنان را محدود می‌کند، بلکه به کارفرمایان نیز دلیلی برای ترجیح مردان در استخدام ارائه می‌دهد (Rezaee et al, 2017, 317).

ازسوی دیگر، سطح پایین سواد و دسترسی محدود به آموزش برای زنان از دیگر موانع اجتماعی مهم است. بسیاری از زنان استان به دلیل کمبود زیرساخت‌های آموزشی، فقر خانواده‌ها، یا فشارهای اجتماعی امکان ادامه تحصیل را ندارند (Dahmardeh & Tabar, 2013, 251). این امر موجب می‌شود که مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای ورود به بازار کار رسمی را کسب نکنند. همچنین، کمبود الگوهای موفق زنانه در حوزه‌های شغلی باعث می‌شود که انگیزه و اعتماد به نفس زنان برای فعالیت اقتصادی کاهش یابد (Zhang, 2024, 135).

تفکیک جنسیتی در بازار کار نیز یکی دیگر از موانع اجتماعی است. در بسیاری از موارد، مشاغل به صورت نانوشته به عنوان «مناسب مردان» یا «مناسب زنان» دسته‌بندی می‌شوند. این موضوع نه تنها دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی متنوع را محدود می‌کند، بلکه تبعیض‌های جنسیتی موجود در محیط‌های کاری را نیز تقویت می‌کند. برای کاهش این نابرابری‌ها، نیاز به تغییر نگرش‌های فرهنگی، ارتقاء سطح آموزش و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در بازار کار استان وجود دارد (Cohen & Huffman, 2003, 881).

۴-۱- تأثیر نگرش‌های سنتی بر نابرابری جنسیتی در اشتغال

نگرش‌های سنتی در استان سیستان و بلوچستان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در اشتغال زنان به شمار می‌رود. این نگرش‌ها که ریشه در فرهنگ قومی و قبیله‌ای منطقه دارند، اغلب بر این باور استوارند که نقش اصلی زنان در خانه و خانواده خلاصه می‌شود و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند تعارضی با هنجارهای اجتماعی ایجاد کند. به همین دلیل، در بسیاری از خانواده‌ها، اجازه حضور زنان در محیط‌های کاری به‌ویژه در خارج از خانه به سختی داده می‌شود. این نگرش‌ها علاوه بر محدود کردن فرصت‌های شغلی زنان، باعث کاهش اعتماد به نفس آن‌ها برای پیگیری مشاغل حرفه‌ای یا حتی تحصیلات عالیه می‌شود (Orton, 2001, 469). ازسوی دیگر، این باورهای سنتی تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری‌های کارفرمایان نیز دارد. در جوامعی که مردان به طور سنتی به عنوان نان‌آور اصلی خانواده شناخته می‌شوند، کارفرمایان ترجیح می‌دهند مردان را در موقعیت‌های شغلی استخدام کنند. این موضوع

به‌ویژه در بخش‌های دولتی و اجرایی استان مشهود است، جایی که تعداد استخدام زنان به مراتب کمتر از مردان است (Thelma&Ngulube,2024,273).

برای کاهش این موانع، نیاز به برنامه‌هایی وجود دارد که به تغییر نگرش‌های اجتماعی، افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و ترویج نقش‌های برابر در محیط‌های خانوادگی و کاری کمک کند (Dahmardeh&Tabar,2013,251).

۲-۴- تأثیر نگرش‌های فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در اشتغال

نگرش‌های فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان به‌طور قابل‌توجهی بر محدودیت‌های شغلی زنان تأثیرگذار است. فرهنگ حاکم در این منطقه که عمیقاً با باورها و ارزش‌های سنتی درآمیخته است، معمولاً زنان را به نقش‌های خانگی محدود کرده و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی را کم‌اهمیت می‌داند. بسیاری از خانواده‌ها تحت تأثیر این باورها، اشتغال زنان را با منزلت و جایگاه خانوادگی ناسازگار می‌دانند. این فرهنگ غالب، زنان را از مشارکت در بازارکار رسمی بازمی‌دارد و باعث می‌شود آن‌ها به کارهای غیررسمی یا خانگی که کمتر به رسمیت شناخته می‌شوند، روی آورند (Khojasteh,2015,37). ازسوی دیگر، برخی از جنبه‌های فرهنگی نیز اشتغال زنان را به نوعی فعالیت خاص محدود می‌کند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از مناطق، زنان تنها در مشاغلی مانند آموزش یا بهداشت که به‌عنوان «مناسب زنان» تلقی می‌شود، پذیرفته می‌شوند. این تفکیک فرهنگی نه‌تنها فرصت‌های شغلی زنان را محدود می‌کند، بلکه به تداوم نابرابری‌های جنسیتی در بازارکار دامن می‌زند (Gelard,&Abdi,2016,1714). برای غلبه بر این موانع، نیاز به تغییر در باورهای فرهنگی از طریق برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی گسترده است. ارتقاء نقش زنان در توسعه اقتصادی و معرفی الگوهای موفق زنانه در سطح منطقه می‌تواند به تغییر این نگرش‌ها و گسترش فرصت‌های شغلی برای زنان کمک کند (Popescu,2014,1056).

۳-۴- باورها و ارزش‌های اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان

باورها و ارزش‌های اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان که ریشه در فرهنگ سنتی و ساختارهای قبیله‌ای دارند، تأثیر قابل‌توجهی بر محدود کردن فرصت‌های شغلی زنان داشته‌اند. یکی از اصلی‌ترین باورهای رایج این است که نقش اصلی زنان در خانواده تعریف می‌شود و مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان اولویت آن‌ها است. این نگرش سنتی نه‌تنها باعث می‌شود زنان از جست‌وجوی فرصت‌های شغلی خارج از خانه بازمانند،

بلکه فشار اجتماعی نیز بر خانواده‌ها وارد می‌کند تا مانع از اشتغال زنان شوند (Greenberger, 1998, 35).

همچنین، محدودیت‌های اجتماعی بر نوع مشاغل زنان از دیگر پیامدهای این باورها است. در بسیاری از موارد، زنان تنها در حوزه‌هایی مانند آموزش، پرستاری، یا مشاغل مرتبط با زنان و کودکان پذیرفته می‌شوند و ورود آن‌ها به حوزه‌هایی مانند مدیریت، تجارت، یا فعالیت‌های صنعتی به عنوان «نامناسب» تلقی می‌شود. این تفکیک اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شود بسیاری از فرصت‌های شغلی برای زنان قابل دسترس نباشد (Rezaee, 2017, 317). علاوه بر این، باورهای اجتماعی در ارتباط با محدودیت حضور زنان در فضاهای عمومی نیز به شدت در این استان ریشه‌دار است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل هراس از قضاوت‌های اجتماعی، زنان را از فعالیت در محیط‌های مختلط بازمی‌دارند. این موضوع، به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌برخوردار، نقش چشمگیری در کاهش مشارکت اقتصادی زنان ایفاء کرده است.

برای شکستن این محدودیت‌ها، نیاز به تغییر نگرش‌های اجتماعی، اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی گسترده و تقویت نقش زنان در جامعه از طریق الگوهای موفق زنانه است. این اقدامات می‌تواند باورها و ارزش‌های اجتماعی را به سمتی سوق دهد که مشارکت زنان در بازارکار را به عنوان یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی بپذیرد (Dahmardeh, & Tabar, 2013, 251).

۵- بررسی عوامل سیاسی استان سیستان و بلوچستان در زمینه نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان

مسائل سیاسی یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان است. نبود سیاست‌گذاری‌های هدفمند و ضعف در اجرای قوانین مرتبط با حقوق زنان و عدالت شغلی، به‌ویژه در مناطقی با ساختارهای قبیله‌ای و سنتی مانند این استان، نقش مهمی در تشدید این نابرابری ایفاء می‌کند. در ادامه، این مسائل از چند دیدگاه تحلیل می‌شود.

۵-۱- دیدگاه قانونگذاری و سیاست‌گذاری کلان

قوانین ملی در زمینه اشتغال و حقوق زنان، از جمله قوانین برابری فرصت‌ها و حمایت از زنان سرپرست خانوار، به صورت نظری در کشور وجود دارد، اما در استان سیستان و بلوچستان به دلیل شرایط خاص منطقه، این قوانین به درستی اجرا نمی‌شوند. ضعف نظارت بر اجرای این قوانین، همراه با نبود برنامه‌های حمایتی محلی، باعث شده است که زنان نتوانند از حمایت‌های قانونی موجود برای دستیابی به فرصت‌های شغلی برابر بهره‌مند شوند. در حوزه قانونگذاری و سیاست‌گذاری کلان، نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان

استان سیستان و بلوچستان ناشی از شکاف میان تصویب قوانین ملی و اجرای مؤثر آن‌ها در سطح محلی است. هرچند قوانین و مقرراتی مانند قانون برابری فرصت‌های شغلی و حمایت از زنان سرپرست خانوار در سطح کشور تدوین شده‌اند، اما این قوانین به دلیل عدم نظارت کافی، نبود زیرساخت‌های لازم و موانع فرهنگی در این استان به درستی اجرا نمی‌شوند (Irvani&Arvaneh,2012,217).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نبود قوانین محلی متناسب با شرایط خاص استان است. سیاست‌گذاری‌های کلان معمولاً بدون توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای تدوین می‌شوند، درحالی‌که استان سیستان و بلوچستان با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی خاص خود نیازمند برنامه‌های قانونگذاری بومی است. به عنوان مثال، در این استان به دلیل ساختارهای قبیله‌ای و محدودیت‌های فرهنگی، نیاز به برنامه‌های حمایتی ویژه‌ای برای توانمندسازی زنان و فراهم کردن فرصت‌های شغلی انعطاف‌پذیر وجود دارد (Ginn,&Arber,1993,47). علاوه بر این، تبعیض‌های ضمنی در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نیز تأثیر منفی بر اشتغال زنان داشته است. بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای و بودجه‌های دولتی به پروژه‌هایی اختصاص می‌یابد که مردان به طور سنتی سهم بیشتری در آن‌ها دارند، مانند پروژه‌های زیرساختی و کشاورزی. در نتیجه، زنان از مزایای این طرح‌ها بی‌بهره می‌مانند و سهم آن‌ها در اقتصاد محلی کاهش می‌یابد (Mehra,1997,136).

برای بهبود وضعیت، ضروری است که سیاست‌گذاری‌های کلان با تمرکز بر عدالت جنسیتی و با مشارکت نمایندگان زنان محلی تدوین شوند. این شامل ایجاد سهمیه‌های شغلی برای زنان، حمایت‌های مالی و آموزشی برای کارآفرینی زنان و تضمین اجرای قوانین موجود از طریق نظارت و بازخواست جدی است (Anderson&Braunstein,2013,269). همچنین، همکاری نزدیک‌تر میان دولت مرکزی و نهادهای محلی برای ایجاد قوانین و سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند شکاف‌های موجود را پر کرده و زمینه را برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال فراهم کند (Rigg,&O'Mahony,2013,83).

۵-۲- دیدگاه اداری و اجرایی

در سطح دستگاه‌های اجرایی استان، نابرابری جنسیتی در استخدام و ارتقاء شغلی به وضوح دیده می‌شود. بر اساس آمار، زنان سهم بسیار کمتری در استخدام دستگاه‌های دولتی دارند که این موضوع نشان‌دهنده ضعف در

سیاست‌گذاری‌های اجرایی برای ترویج مشارکت زنان است (Johnston, 2019, 155). نبود برنامه‌های توانمندسازی و آموزش تخصصی برای زنان در این ساختارها نیز یکی از عوامل مهم کاهش مشارکت آن‌ها در موقعیت‌های شغلی رسمی و مدیریتی است. یکی از عوامل کلیدی در تداوم نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان، ضعف در ساختارهای اداری و اجرایی است (Bermúdez-Figueroa, & Roca, 2022, 96). در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی استان، زنان سهم اندکی در فرصت‌های شغلی و موقعیت‌های مدیریتی دارند. این وضعیت ناشی از ترکیبی از عدم سیاست‌گذاری حمایتی، تبعیض‌های نهادینه‌شده در فرایند استخدام و نگاه سنتی حاکم بر ساختارهای اجرایی است (Dehghan, 2023, 382).

اول- عدم وجود سهمیه‌های شغلی برای زنان: در بسیاری از دستگاه‌های دولتی استان، سیاست‌های روشن و الزام‌آور برای افزایش مشارکت زنان وجود ندارد. در حالی که برخی از استان‌ها سهمیه‌های شغلی برای زنان تعریف کرده‌اند، استان سیستان و بلوچستان همچنان از چنین سیاست‌هایی بی‌بهره است. این امر باعث شده است که فرصت‌های شغلی برای زنان به‌طور طبیعی در رقابت با مردان کاهش یابد، به‌ویژه در موقعیت‌های رسمی و دولتی (Dahmardeh, & Tabar, 2013, 251).

دوم- کمبود فرصت‌های آموزشی و مهارتی در دستگاه‌های اجرایی: در ساختارهای اجرایی استان، برنامه‌های آموزشی و مهارتی که زنان را برای پذیرش موقعیت‌های شغلی آماده کند، به‌طور گسترده اجرا نمی‌شود. این کمبود نه تنها سطح توانمندی زنان را کاهش داده، بلکه مانع ارتقاء آنان به موقعیت‌های شغلی بهتر و پربازده‌تر شده است. در نتیجه، زنان معمولاً در پایین‌ترین سطوح شغلی باقی می‌مانند و دسترسی به مشاغل مدیریتی یا تخصصی برای آنان دشوار است (Schachter, 2017, 143).

سوم- نگرش‌های سنتی در فرایند استخدام و ارتقاء: یکی از موانع مهم دیگر، تأثیر نگرش‌های سنتی بر سیاست‌های اجرایی است. در برخی دستگاه‌های اجرایی، نگاه سنتی به زنان به‌عنوان نیروی کار کم‌اثر یا محدود به مشاغل خاص باعث می‌شود که اولویت استخدام به مردان داده شود. علاوه بر این، در مواردی که زنان استخدام می‌شوند، معمولاً در مشاغل با سطح پایین و بدون مسیر پیشرفت شغلی قرار می‌گیرند (Thelma, & Ngulube, 2024, 273).

چهارم- ضعف در نظارت بر اجرای قوانین موجود: هرچند قوانین ملی برای حمایت از زنان در محیط کار وجود دارد، اما ضعف نظارت و شفافیت در اجرای این قوانین در دستگاه‌های اجرایی استان، مانع

بهره‌مندی زنان از این حقوق شده است. برای مثال، تبعیض‌های جنسیتی در فرایند استخدام، پرداخت حقوق و ارتقاء به‌ندرت گزارش شده و پیگیری می‌شود (Salameh, 2023, 671).

برای رفع این موانع، دستگاه‌های اجرایی استان باید سیاست‌های خود را بازنگری کرده و برنامه‌هایی مانند تعریف سهمیه‌های شغلی ویژه برای زنان، توسعه آموزش‌های تخصصی و مهارتی برای کارکنان زن و تقویت سیستم‌های نظارتی برای اطمینان از اجرای قوانین برابری جنسیتی را اجرایی کنند. همچنین، تغییر نگرش در سطح مدیران ارشد و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخشی می‌تواند نقش مهمی در تقویت حضور زنان در ساختارهای اداری و اجرایی ایفاء کند (Amon, 2017, 236).

۵-۳- دیدگاه نقش دولت در توسعه محلی

دولت در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای که در استان اجرا می‌شود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرات متفاوتی بر زنان و مردان می‌گذارد. پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی معمولاً به حوزه‌هایی اختصاص دارند که بیشتر مردان در آن‌ها فعال هستند، مانند کشاورزی یا پروژه‌های عمرانی. این امر باعث شده است که سهم زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی بسیار کم‌رنگ باشد (Ndzabela Lukman, 2023, 49). دولت به‌عنوان عامل اصلی توسعه محلی می‌تواند نقشی اساسی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال زنان ایفاء کند، اما در استان سیستان و بلوچستان، این نقش به‌دلیل عدم توجه کافی به مشارکت زنان، هنوز به‌طور مؤثر محقق نشده است. بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای که توسط دولت در این استان اجرا می‌شود، مانند پروژه‌های عمرانی، کشاورزی و زیرساختی، به‌طور عمده مردمحور بوده و سهم زنان در این طرح‌ها ناچیز است. این موضوع باعث شده است که زنان از مزایای اقتصادی این پروژه‌ها، از جمله فرصت‌های شغلی، به حاشیه رانده شوند. همچنین، نبود برنامه‌های خاص برای حمایت از زنان در طرح‌های توسعه‌ای، مانع از مشارکت فعال آنان در فرایندهای توسعه محلی شده است (Hidayati, & Setiawan, 2023, 13).

از سوی دیگر، کمبود زیرساخت‌های اجتماعی که زنان برای ورود به بازار کار به آن نیاز دارند، مانند مهدکودک‌ها، مراکز مهارت‌آموزی و حمایت‌های مالی، نشان‌دهنده غفلت دولت از نیازهای اساسی زنان است. این کمبودها به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم استان بیشتر احساس می‌شود. اگرچه دولت در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای کاهش محرومیت در این مناطق داشته است، اما این اقدامات بدون در نظر گرفتن عدالت جنسیتی طراحی شده‌اند و به تقویت نابرابری‌های موجود منجر شده‌اند. برای تغییر این وضعیت، دولت باید

برنامه‌های توسعه محلی را با محوریت توانمندسازی زنان طراحی و اجرا کند و با ایجاد زیرساخت‌های حمایتی و فرصت‌های شغلی برابر، حضور زنان را در فرایند توسعه تقویت کند (Dellacasa, 2023, 96).

۵-۴- دیدگاه ارتباط سیاست و فرهنگ محلی

مسائل سیاسی در این استان به شدت با فرهنگ سنتی و ساختار قبیله‌ای گره خورده است. این ارتباط میان سیاست و فرهنگ، تغییرات بنیادی در زمینه اشتغال زنان را دشوار کرده است (Khojasteh, et al, 2015, 37). ارتباط میان سیاست و فرهنگ محلی در استان سیستان و بلوچستان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و تثبیت نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان است. سیاست‌مداران محلی اغلب برای حفظ حمایت اجتماعی و جلوگیری از تعارض با باورها و هنجارهای فرهنگی منطقه، از اتخاذ تصمیماتی که می‌تواند به ارتقای اشتغال زنان کمک کند، خودداری می‌کنند. این نگرش محافظه‌کارانه باعث شده است که مسائل زنان، به‌ویژه در زمینه اشتغال و مشارکت اقتصادی، در اولویت سیاست‌گذاری‌های محلی قرار نگیرد (Asadi Sarvestani, et al, 2019, 1). برای مثال، بسیاری از طرح‌های اقتصادی یا قوانین محلی که می‌توانستند زنان را توانمند کنند، به دلیل نگرانی از مخالفت‌های فرهنگی یا اجتماعی، اجرا نشده‌اند.

علاوه بر این، فرهنگ سنتی و قبیله‌ای استان که نقش زنان را به‌طور عمده در حوزه خانواده تعریف می‌کند، تأثیر مستقیمی بر جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌ها داشته است. بسیاری از سیاست‌مداران محلی، به‌جای ترویج تغییرات فرهنگی که منجر به افزایش مشارکت زنان شود، به تقویت نقش‌های سنتی پرداخته‌اند تا حمایت اجتماعی خود را حفظ کنند. این رویکرد محافظه‌کارانه نه تنها مانع از پیشرفت زنان در حوزه اشتغال شده، بلکه به تداوم ساختارهای نابرابر اجتماعی و اقتصادی در استان دامن زده است. برای تغییر این وضعیت، سیاست‌مداران باید به اهمیت تغییرات فرهنگی آگاه شوند و برنامه‌های آگاهی‌بخشی و آموزشی را با هدف افزایش پذیرش اجتماعی مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف طراحی و اجرا کنند (Bhasin, 2007, 1).

برای کاهش نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان، نیاز به تغییر در رویکردهای سیاسی و اجرایی استان وجود دارد. این تغییر باید شامل تدوین سیاست‌های منطقه‌ای هدفمند برای حمایت از اشتغال زنان، اجرای دقیق قوانین ملی، تقویت نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و توجه به نیازهای خاص زنان در برنامه‌های توسعه‌ای باشد. همچنین، هماهنگی میان دولت و جامعه محلی برای ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی، از طریق آموزش و آگاهی‌بخشی، می‌تواند در رفع این موانع مؤثر باشد (Hills, 2015, 153).

نتیجه

نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان یکی از چالش‌های اساسی توسعه پایدار این منطقه است. این نابرابری تحت تأثیر سه عامل کلیدی قرار دارد: شرایط اقتصادی نامطلوب، باورهای اجتماعی سنتی و ضعف سیاست‌گذاری‌های حمایتی.

از بعد اقتصادی، نرخ بالای بیکاری، نبود فرصت‌های شغلی مناسب و عدم دسترسی زنان به منابع مالی و تسهیلات کارآفرینی، از موانع اصلی مشارکت اقتصادی آن‌ها به شمار می‌آید. بسیاری از زنان این استان به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی رسمی، به مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد روی آورده‌اند که این امر به تداوم فقر در میان آن‌ها منجر شده است. در بعد اجتماعی و فرهنگی، باورهای سنتی مردسالارانه، نگرش‌های قبیله‌ای و ساختارهای اجتماعی بسته، نقش زنان را به خانه‌داری محدود کرده و مانع از ورود آن‌ها به بازار کار شده است. سطح پایین آموزش و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای نیز باعث شده است که زنان توانایی رقابت در مشاغل تخصصی را نداشته باشند. همچنین، تفکیک جنسیتی در بازار کار و نبود الگوهای موفق زنانه، موجب کاهش اعتماد به نفس زنان برای ورود به عرصه‌های شغلی مختلف شده است. در بعد سیاسی و اجرایی، سیاست‌های کلان توسعه‌ای اغلب بدون در نظر گرفتن شرایط زنان طراحی شده‌اند. ضعف در اجرای قوانین برابری جنسیتی، عدم وجود سهمیه‌های شغلی برای زنان و برنامه‌های توانمندسازی مؤثر، به تشدید نابرابری‌ها دامن زده است. علاوه بر این، نبود نظارت کافی بر کارفرمایان در رعایت حقوق زنان، از دیگر مشکلاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان نه تنها محدود به زنان نیست، بلکه تأثیرات منفی آن بر کل جامعه و توسعه اقتصادی استان نیز مشهود است. بنابراین، دستیابی به عدالت جنسیتی در اشتغال، نیازمند همکاری میان دولت، نهادهای محلی، کارفرمایان و جامعه مدنی است. با اجرای سیاست‌های حمایتی، تغییر نگرش‌های اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های برابر، می‌توان این نابرابری را کاهش داد و نقش زنان را در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان تقویت کرد.

پیشنهاد

برای کاهش نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان، لازم است که سیاست‌های حمایتی و برنامه‌های توسعه‌ای هدفمند اجرا شوند. برخی از مهم‌ترین راهکارها عبارتند از:

اول- اصلاح سیاست‌های اقتصادی: ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای زنان، ارائه تسهیلات مالی برای کارآفرینی زنان و حمایت از کسب و کارهای کوچک زنان.

دوم- ارتقای سطح آموزش و مهارت‌آموزی: افزایش دسترسی زنان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه برای زنان جویای کار و فراهم کردن زیرساخت‌های آموزشی مناسب.

سوم- تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی: اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخشی برای تغییر باورهای سنتی درباره نقش زنان در بازار کار، ترویج فرهنگ برابری جنسیتی و ارائه الگوهای موفق زنانه.

چهارم- تقویت سیاست‌های حمایتی و اجرایی: ایجاد سهمیه‌های شغلی برای زنان در بخش‌های دولتی و خصوصی، نظارت بر اجرای قوانین مربوط به حقوق زنان در محیط‌های کاری و گسترش برنامه‌های حمایتی برای زنان سرپرست خانوار.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- علیدوست، سمیه و لشگرآرا، فرهاد، ۱۳۹۲، موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان گرمسار)، فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۲۱.
- عباسیان، مجتبی؛ ابراهیم زاده اسمین، حسین؛ ناظریان، نورمحمد؛ ایرندگان، یونس، ۱۳۹۰، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۱۷.
- مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰، سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، فصل چهارم.
- مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰، شاخص‌های عمده نیروی کار در جمعیت پانزده ساله و بیشتر بر حسب نقاط شهری و روستایی و جنس، جدول شماره دو.
- موسوی، سیده سمیه؛ احمدرضا، عمانی؛ اللهیاری، محمدصادق، ۱۳۸۹، بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی زراعی، فصلنامه زن و فرهنگ، شماره ۵.

لاتین

- Raman, R., Subramaniam, N., Nair, V. K., Shivdas, A., Achuthan, K., & Nedungadi, P., 2022, Women entrepreneurship and sustainable development: bibliometric analysis and emerging research trends. *Sustainability*, 14 (15).
- Sharlach, L., 1999, Gender and genocide in Rwanda: Women as agents and objects of Genocide. *Journal of Genocide Research*, 1 (3).
- Skjelsbæk, I., & Tryggstad, T. L., 2020, Pro-gender norms in Norwegian peace engagement: Balancing experiences, values, and interests. *Foreign Policy Analysis*, 16 (2).
- Hoominfar, E., & Zanganeh, N., 2021, The brick wall to break: Women and the labor market under the hegemony of the Islamic Republic of Iran. *International Feminist Journal of Politics*, 23 (2).
- Sedighi, R., & Kurane, A., 2018, Discrimination of women in employment: a study in Tehran, Iran. *Voice of Intellectual Man-An International Journal*, 8 (1).
- Cheratian, I., Goltabar, S., & Calá, C. D., 2022, The unemployment-labor force participation linkage in Iran's women labor market. *International Journal of Development Issues*, 21 (2).
- Khojasteh, F., Arbabisarjou, A., Boryri, T., Safarzadeh, A., & Pourkakhkhai, M., 2015, The relationship between maternal employment status and pregnancy outcomes. *Global journal of health science*, 8 (9).
- Rezaee, N., Salar, A., Ghaljaei, F., Seyedfatem, N., & Rezaei, N., 2017, Understanding the contextual factors affecting women's health in Sistan and Baluchestan province in Iran: A qualitative study. *International -Journal of Community Based Nursing and Midwifery*, 5 (4).
- Movahedi, R., & Yaghoubi-Farani, A., 2012, Analysis of the barriers and limitations for the development of rural women's entrepreneurship. *International journal of entrepreneurship and small business*, 15 (4).
- Rai, S. M., 2007, Deliberative democracy and the politics of redistribution: The case of the Indian Panchayats. *Hypatia*, 22 (4).
- Zhang, Y., 2024, Discrimination against Women in the Workplace. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 27.
- Cohen, P. N., & Huffman, M. L., 2003, Occupational segregation and the devaluation of women's work across US labor markets. *Social Forces*, 81 (3).
- Orton, L., Barrientos, S., & McClenaghan, S., 2001, Paternalism and gender in South African fruit employment: Change and continuity. In *Women's studies international forum* (Vol. 24, No. 3-4).
- Thelma, C. C., & Ngulube, L., 2024, Women in leadership: Examining barriers to

- women's advancement in leadership positions. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*, 18 (6).
- Gelard, P., & Abdi, A., 2016, Evaluating the effect of gender inequality on economic growth in countries with high human development index. *European Online Journal of Natural and Social Sciences: Proceedings*, 4 (1).
 - Popescu, G. H., 2014, The influence of gender inequalities on economic outcomes. *Journal of Research in Gender Studies*, 4 (1).
 - Greenberger, E., Goldberg, W. A., Crawford, T. J., & Granger, J., 1988, Beliefs about the consequences of maternal employment for children. *Psychology of Women Quarterly*, 12 (1).
 - Iravani, M. R., & Arvaneh, M., 2012, Study of job status and education of women in Iran. *International Journal of Basic and Applied Science*, 1 (02).
 - Ginn, J., & Arber, S., 1993, Pension penalties: the gendered division of occupational welfare. *Work, employment and society*, 7 (1).
 - Mehra, R., 1997, Women, empowerment, and economic development. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 554 (1).
 - Anderson, B., & Braunstein, E., 2013, Economic growth and employment from 1990-2010: explaining elasticities by gender. *Review of Radical Political Economics*, 45 (3).
 - Johnston, K., 2019, Women in public policy and public administration? *Public Money & Management*, 39 (3).
 - Bermúdez-Figueroa, E., & Roca, B., 2022, Gender labor inequalities in the public sector: the interplay between policy and micro-politics. *Employee Relations: The International Journal*, 44 (7).
 - Dehghan, R., 2023, Reframing Iran's Woman, Life, Freedom Movement: from gender violence to state violence.
 - Schachter, H. L., 2017, Women in public administration: Giving gender a place in education for leadership. *Administration & society*, 49 (1).
 - Thelma, C. C., & Ngulube, L., 2024, Women in Leadership: Examining Barriers to Women's Advancement in Leadership Positions. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*, 18 (6).
 - Salameh, N., Dawas, R., & Qarawi, Z., 2023, Legal Constraints to Protect Working Women: A comparative study under international labor standards and the Palestinian Labor Law. *An-Najah University Journal for Research-B (Humanities)*, 38 (4).
 - Amon, M. J., 2017, Looking through the glass ceiling: A qualitative study of STEM women's career narratives. *Frontiers in psychology*, 8.

- Ndzabela, O., & Lukman, Y., 2023, The impact of gender inequality on economic development. *Insights into Regional Development*, 5 (4).
- Hidayati, A., & Setiawan, H., 2023, Women and Budget: Pro Gender Government Expenditure Budget in Batang Regency. *Bestuurskunde: Journal of Governmental Studies*, 113 (3).
- Rigg, C., & O'Mahony, N., 2013, Frustrations in collaborative working: Insights from institutional theory. *Public Management Review*, 15 (1).
- Khojasteh, F., Arbabisarjou, A., Boryri, T., Safarzadeh, A., & Pourkahkhaei, M., 2015, The relationship between maternal employment status and pregnancy outcomes. *Global journal of health science*, 8 (9).
- Asadi Sarvestani, K., Hasanifar, A., & Bagheri, R., 2019, Some Determinants of Contraceptive Use Among Women of Reproductive Age Who Have Children with Thalassemia Major in Sistan and Baluchestan Province, Iran. *Women's Health Bulletin*, 6 (2).
- Bhasin, V., 2007, Status of tribal women in India. *Studies on Home and Community Science*, 1 (1).
- Hills, J., 2015, Addressing gender quotas in South Africa: Women empowerment and gender equality legislation. *Deakin L. Rev.*, 20.
- Dellacasa, M. G., 2023, Residential segregation and women's labor market participation: The case of Santiago De Chile. *Feminist Economics*, 29 (2).
- Dahmardeh, N., & Tabar, M. H., 2013, Government expenditures and its impact on poverty Reduction (Empirical from Sistan and Baluchestan Province of Iran). *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 2 (1).

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta